

مَثَلِ رَعَايِ عِيسَى

درس ششم
مَثَلِ قنطارها

گروه سنہ: ۴-۸ سال

خداوند! من مے خواهم از استعدادی کہ به من بخشیدی،
به درستی استفاده کنم.

آیات مربوطہ:
متی ۲۵: ۱۴-۳۰

سخنے با مربے:

کودکان در این جلسه می‌آموزند که همه‌ی ما استعدادهای متفاوتی داریم که از طرف خداست. او این استعدادها را به ما بخشیده تا با استفاده از این استعدادها او را پرستش کنیم و بزرگی و قدرت او را نشان دهیم. ما نباید برای استعدادی که داریم مغرور باشیم و باید بدانیم که خدا آن را به ما بخشیده است، همچنین ما باید از آن‌ها به درستی استفاده کنیم. از قبل با همکاران خود برای کودکان و جلسه‌ای که با آن‌ها دارید دعا کنید.

آمادگی برای ورود به داستان:

"استعداد من"

زمان: ۲۰ دقیقه

توضیحات:

از یک هفته قبل به بچه‌ها اعلام کنید که برای برنامه "استعداد من" آماده شوند، و همه می‌توانند در این جلسه استعداد خود را به صورت تکنفره و یا گروهی با دوستان‌شان به نمایش بگذارند. به آن‌ها اعلام کنید که حداقل زمان نمایش برای یک فرد و یا یک گروه ۳ دقیقه می‌باشد. برای رأی دادن به نمایش‌ها به سه نفر که به عنوان داور هستند احتیاج است، که می‌توانید از دیگر مربیان و یا اعضای کلیسا نیز دعوت کنید تا در این برنامه به عنوان داور حضور داشته باشند. از قبل کلاس را مانند یک برنامه استعدادیابی آماده کنید و از بچه‌ها در این برنامه پذیرایی کنید. زمانی را به شرکت‌کننده‌ها اختصاص دهید و بعد از اتمام نمایش آن‌ها، از همه شرکت‌کننده‌ها که استعداد خود را به نمایش گذاشتند تشکر کنید.

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

"مثل قنطارها"

زمان: ۱۰-۱۵ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق شنیدن مثل عیسی، خود قسمتی از این داستان‌ها می‌شوند و آن را می‌آموزند. به بچه‌ها توضیح دهید که این هفتمین هفته است که ما در مورد مثل‌های عیسی مسیح باهم صحبت می‌کنیم.

از بچه‌ها بپرسید هفته گذشته در مورد کدام مثل صحبت کردیم و چه چیزی یاد گرفتیم؟ اجازه دهید یک و یا دو نفر از بچه‌ها پاسخ دهند.

امروز می‌خواهیم مثلی در مورد استعدادی که خدا به ما بخشیده است، از متی ۲۵: ۱۴-۳۰ با هم بخوانیم.

خلاصه مثل "قنطارها" از کتاب متی ۲۵: ۱۴-۳۰:

"عیسی گفت: پادشاهی آسمان مانند مردی است که قصد سفر کردن داشت. خدمتکاران خود را صدا زد و به هر کدام از آنها براساس توانایی‌هایی که

داشتند، قسمتی از اموالش را سپرد.

(به بچه‌ها توضیح دهید قنطار واحد پولی بود که در آن زمان رایج بود)

به یکی از آن‌ها ۵ قنطار داد، به یکی ۲ قنطار و به یکی دیگر ۱ قنطار داد و به سفر رفت.

مردی که ۵ قنطار داشت، با آن پول تجارت کرد و ۵ قنطار دیگر به دست آورد.

مردی که ۲ قنطار داشت نیز با همان ۲ قنطار کار کرد و ۲ قنطار دیگر نیز به دست آورد.

اما مردی که ۱ قنطار داشت، آن را زیر خاک پنهان کرد.

پس از مدت طولانی، مردی که صاحب آن پول‌ها بود از سفر برگشت.

مرد اول که ۵ قنطار داشت با آن ۵ قنطار اول و سودی که کرده بود آمد و گفت: سرور من این آن پولی که به من سپرده بودی و این هم سودی که با آن کردم.

پس اربابش خوشحال شد و گفت: آفرین ای خادمی که خوب امانت‌داری کردی، در چیزهایی که کم بود کار بزرگی انجام دادی، پس به تو چیزهای بیشتری می‌دهم. بیا و با من شادی کن.

مرد اول که ۲ قنطار داشت با آن ۲ قنطار اول و سودی که کرده بود آمد و گفت: سرور من این آن پولی که به من سپرده بودی و این هم سودی که با آن کردم.

پس اربابش خوشحال شد و به او هم گفت: آفرین ای خادمی که خوب امانت‌داری کردی، در چیزهایی که کم بود کار بزرگی انجام دادی، پس به تو چیزهای بیشتری می‌دهم. بیا و با من شادی کن.

و استعداد دیگری... پس فراموش نکنیم که همه‌ی ما یک و یا چند استعداد داریم و کسی نیست که بدون استعداد باشد، زیرا خدا همه را دوست دارد و به همه‌ی انسان‌ها براساس توانایی‌هایشان استعدادی بخشیده است.

تأمل و تعمق، دعا و پرستش

استعداد خاص شما چیست؟ لحظاتی سکوت کنید و اجازه دهید بچه‌ها فکر کنند.

همگی باهم برای بچه‌ها و استعدادهای آن‌ها از خداوند تشکر کنید و او را بپرستید.

از بچه‌ها بخواهید دست خود را روی قلب‌شان بگذارند و این جمله را تکرار کنند:

"خداوند من می‌خواهم از استعدادی که به من بخشیدی به درستی استفاده کنم"

• سرود پرستشی "با شادی و حمد و پرستش به پیش رویم"

کارگاه اجرایی

"دفتر داستان من"

زمان: ۱۰ دقیقه

وسایل مورد نیاز: دفتر و مدادرنگی

توضیحات:

از بچه‌ها بخواهید در دفترهایی که جلسه گذشته درست کرده بودند، استعداد خاص خود و نکته‌ای که از مَثَل امروز یاد گرفتند را یادداشت و یا نقاشی کنند.

اما بعد آن فردی که قنطار خود را زیر خاک پنهان کرده بود آمد و گفت: چون می‌دانستم مردی بداخلاق و خشمگینی هستی و در جاهای مختلفی سرمایه‌گذاری می‌کنی، پس ترسیدم و پولی که به من داده بودی را زیر خاک پنهان کردم، بیا این هم پول تو.

ارباب به او گفت: ای تنبل! تو که می‌دانستی من در جاهای مختلفی سرمایه‌گذاری می‌کنم، پس چرا با پول من کاری نکردی؟ بعد آن ۱ قنطار را از او گرفت و به کسی که ۱۰ قنطار داشت، داد و گفت به هر که دارد بیشتر می‌دهم و به آنکه ندارد همان را که دارد از او می‌گیریم و این خدمتکار بی‌فایده را مجازات کنید.

به بچه‌ها توضیح دهید مَثَل قنطارها درباره‌ی استعدادهای ماست، اما آیا خدا به همه‌ی ما استعدادهای یکسانی بخشیده است؟ اجازه دهید بچه‌ها جواب دهند و در مورد این موضوع مشارکت کنند.

در ادامه به آن‌ها توضیح دهید که همه‌ی استعدادهای متفاوتی داریم که از طرف خداست. او این استعدادها را به ما بخشیده تا با استفاده از این استعدادها او را پرستش کنیم و بزرگی و قدرت او را نشان دهیم، همچنین در راه پادشاهی خدا که در این چند هفته در مورد آن صحبت کردیم، استفاده کنیم.

نتیجه‌گیری

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در مَثَل امروز شنیدیم، خدا از روی محبت خود به همه‌ی ما استعدادهای متفاوتی بخشیده است.

پس اول ما باید بدانیم که نباید برای استعدادی که داریم مغرور باشیم و باید بدانیم که خدا آن را به ما بخشیده است. دومین نکته مهم این است که باید از آن‌ها به درستی و برای نشان دادن بزرگی و قدرت خدا استفاده کنیم.

استعداد یک نفر تشویق کردن است، استعداد دیگری معلم بودن، استعداد یکی نواختن ساز است

- [لینک ویڈیو](#)

از بچه‌ها بخواهید در هفته پیش‌رو، استعداد خود را به یک نفر نشان دهند و به او بگویند که "خدا این استعداد را به من بخشیده و او به همه براساس توانایی‌هایشان استعداد خاص بخشیده است".